



تبلیغ نوشتاری

در احادیث اسلامی

عبدالرحیم موگهی

سپیده سخن

تبلیغ از یک جهت بر سه گونه است:

۱. تبلیغ گفتاری؛

۲. تبلیغ رفتاری؛

۳. تبلیغ نوشتاری.

در فرهنگ معمول مردم، «تبلیغ گفتاری» که تبلیغی شنیداری است و با گوش و از راه شنیدن انجام می پذیرد، تبلیغ مطبوعتر و مقبولتری است تا «تبلیغ نوشتاری» که تبلیغی دیداری است و با چشم و از راه دیدن انجام می گیرد.

یکی از دلیل های این مطبوعی و

مقبولی را می توان در آسانی و ارزانی دستیابی به تبلیغ گفتاری نسبت به تبلیغ نوشتاری جست و جو کرد؛ اما در احادیث اسلامی - آن سان که خواهید دید و خواهید خواند - گاه تعبیرها و تعریف ها و حتی تعلیل هایی وجود دارد که نشان می دهد «تبلیغ نوشتاری» در «احادیث اسلامی»، از جایگاه مطبوع تر و مقبول تری برخوردار است. بدین رو، بر آن شدیم تا «۴۰ حدیث» در این زمینه را برگزینیم و به دستداران تبلیغ نوشتاری و احادیث اسلامی پیشکش کنیم؛ و اما قلم زدن در باب «تبلیغ

رفتاری» را به فرصتی دیگر بسپاریم. گفتنی است که این احادیث را - برخلاف دیگر ترجمه‌هایمان - به طرز و سبکی دیگر ترجمه کرده‌ایم به گونه‌ای که ممکن است شمیم «نوگرایی» از آن به مشامتان رسد؛ اما اندکی آن‌ها را تحمل نمایید و با این حدیث نگار، شعرهای زیرین را زمزمه کنید، شاید که در چشم شما آید:

گر متاع سخن امروز کساد است «کلیم»

تازه کن طرز که در چشم خریدار آید

فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر
سخن نو آر که نور را حلاوتی است دگر
امید داریم این «حدیث گزینی» و
«حدیث نویسی» که از سنت حسنه «چهل
حدیث نویسی» برگرفته شده است،
مطبوعتان آید و مقبولتان افتد:

چهل حدیث معصوم در این صحیفه آمد
بُود کزین صحیفه شمیم گل برآید

(۱)

نخستین قلمزن که بود؟

پیامبر خدا ﷺ:

«يَا أَبَا ذَرٍّ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ سُرِّيَا تِيُونَ: آدَمَ

وَسَيِّدَ وَأَخْنُوخَ (وَهُوَ إِدْرِيسُ وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ

حَطَّ بِالْقَلَمِ) وَنُوْحٌ...^۱

ای ابو ذر! چهارتن از پیامبرانند که سُرّیانی‌اند و آن آدم است و سَیِّد است و أَخْنُوخ است و نوح. و أَخْنُوخ همان ادريس است و نخستین کسی است که با قلم نوشته است.»

(۲)

پژواک قلم تا کجا که نمی‌رسد

پیامبر خدا ﷺ:

«ثَلَاثٌ تَخْرُقُ الْحُجُبَ وَتَنْهِي إِلَى مَا تَبِينُ

يَدِي اللَّهُ: صُرِيرُ أَقْلَامِ الْعُلَمَاءِ وَوَطْئُ أَقْدَامِ

الْمُجَاهِدِينَ وَصَوْتُ مَغَازِلِ الْمُحْصَنَاتِ؛^۲

سه [بانگ ظنین انداز] است که پرده‌ها می‌درد و پژواک آن در فرجام به خدا می‌رسد: بانگ قلم‌های دانشمندان؛ بانگ قدم‌های مجاهدان؛ و بانگ چرخ بافندگی پاک‌زنان.»

(۳)

چرا زکات دست خود نمی‌دهی؟

امام صادق علیه السلام:

«... زَكْوَةُ أُنَيْدُ التَّبَدُّلِ وَالْعَطَاءُ وَالسَّخَاءُ

بِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِهِ وَتَخْرِيكُهَا بِكُتْبِهِ الْعُلُومَ

وَمَنَافِعُ يُنْتَفَعُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ

۱- بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۲.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۷۷.

تَعَالَى...! ^۱ زکات دست بذل و دهش و بخشش است از نعمت‌هایی که خدا به تو ارزانی داشته است و جنباندن آن است به نگارش دانش‌ها و بهره‌هایی که مسلمانان از آن در راه فرمانبری خدای بزرگ بهره‌مند شوند.»

(۴)

مرکب دانشوران، برتر آمد

ز خون شهیدان

امام صادق علیه السلام:

«إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوَضَعَتِ الْمَوَازِينُ قَتُورَ ذِمَاءِ الشَّهْدَاءِ مَعَ مِدَادِ الْعُلَمَاءِ فَيُرْجَحُ مِدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَى ذِمَاءِ الشَّهْدَاءِ» ^۲

آن‌گاه که روز رستخیز شود، خدای بزرگ همگان را در یک سرزمین گرد هم آورد و ترازوهای ارزش سنج در پیش نهاده شود. چون خون‌های شهیدان با مرکب قلم دانشمندان به سنجش آید، مرکب قلم دانشمندان بر خون‌های شهیدان برتری یابد.»

(۵)

آنان که ادیب ترند،

از همسانان خود برترند

امام جواد علیه السلام:

«مَا أَسْتَوَى رَجُلَانِ فِي حَسَبٍ وَدِينٍ قَطُّ إِلَّا كَانَ أَحْفَظُهُمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَدْبَهُمَا...» ^۳

دو کس که در شرافت و دیانت همسنگ همند یافت نمی‌شود مگر آنکه نزد خدای بزرگ ادیب‌ترینشان برتر از دیگری است.»

(۶)

فرهنگ مکتوب و این همه پاداش!

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

«الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَتَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا مَدِينَةً أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ» ^۴

مؤمن چون از دنیا رود و برگه‌ای دانش‌دار از خود بر جای نهد، این برگه در روز رستخیز، میان او و آتش دوزخ پرده‌ای شود. و خدای خجسته و بزرگ برای هر حرفی که بر آن برگه نوشته شده باشد، شهری به فراخنای هفت گیتی به وی بخشد.»

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۶۱.

۲- کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۸.

۳- وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۸۶۶.

۴- بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۴۴.

(۷)

ای قلمزنان! به کدامین راه

می‌زنید؟

پیامبر خدا ﷺ:

«يُؤْتَى بِصَاحِبِ الْقَلَمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ يَقْفَلُ عَلَيْهِ بِأَقْفَالٍ مِنْ نَارٍ قَتْنَطَرٌ قَلَمُهُ فِيمَا أُجْرَاهُ فَإِنْ كَانَ أُجْرَاهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَرِضْوَانِهِ فَكَ عِنْتَهُ التَّابُوتُ وَإِنْ كَانَ أُجْرَاهُ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ هَوَى فِي التَّابُوتِ سَبْعِينَ حَرِيْفًا...»^۱

(۹)

اگر که پاک نگاری جای تو در

بهشت است

پیامبر خدا ﷺ:

«مَنْ مَاتَ وَمِيرَاثُهُ الدَّفَاثِرُ وَالْمَخَابِرُ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^۳

هر که از دنیا رود و میراثش
دفترها و دوات‌ها بُوَد، باید بهشت
ارزانی او شود.»

(۱۰)

در سایه‌سار قلم، زندگی بس

چه زیباست!

پیامبر خدا ﷺ:

«... الْقَلَمُ مِنَ اللَّهِ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ وَلَوْلَا الْقَلَمُ لَمْ يَسْتَقِمِ الْمُلْكُ وَالْدِّينُ وَلَمْ يَكُنْ عَيْشُ صَالِحٍ»^۴

قلم نعمتی است بزرگ از سوی
کردگار. و قلم اگر نبود، سیاست و
دیانتی استوار نمی‌شد و زیستن
خوشی در روزگار نبود.»

(۸)

تحقیقات و تألیفات خود را

نقد بزنید

امام حسین ﷺ:

«... مِنْ دَلَائِلِ الْعَالَمِ اِسْتِفَادَةٌ لِيَحْدِثَهُ...»^۲

از نشانه‌های دانشور، به
نقد کشیدن سخن خویش است.»

۱. میزان الحکمة، ج ۸، ص ۲۶۶.

۲. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، تصحیح علی

اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات

اسلامی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۸.

۳. ارشاد القلوب دیلمی، باب ۵۱.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸.

(۱۱)

قلم جاودانه می‌کند همه را

امام صادق علیه السلام:

«تَأْمَلُ يَا مُفَضَّلُ! مَا أَنْعَمَ اللَّهُ [بِهِ عَلَيَّ
الْإِنْسَانَ]... أَلِكِتَابَةِ الَّتِي بِهَا تُقَيَّدُ أَخْبَارُ
الْمَاضِينَ لِلْبَاقِينَ وَأَخْبَارُ الْبَاقِينَ لِلْآتِينَ وَبِهَا
تُخَلَّدُ الْكُتُبُ فِي الْعُلُومِ وَالْآدَابِ وَغَيْرِهَا...^۱
درنگی کن مفضل! از نعمت‌های
الهی برای آدمی «نوشتن» باشد که به
وسیله آن رخداد‌های گذشتگان برای
بازماندگان و رویدادهای زندگان برای
آیندگان به بند کشیده می‌شود و
نوشتارهای علمی و اخلاقی و جز آن
جاودانه می‌ماند.»

(۱۲)

شگفتا! نوشتار برتر از گفتار

گذشته

امیر مؤمنان علی علیه السلام:

«رَسُولُ الرَّجُلِ تَرْجُمَانُ عَقْلِهِ وَكِتَابُهُ
أَبْلَغُ مِنْ نُطْقِهِ»^۲
پیگ آدمی نمایانگر خرد اوست و
نوشتار آدمی رساتر ز گفتار اوست.»

(۱۳)

این گونه نگار

امام امیر مؤمنان علی علیه السلام:«كِتَابُ الْمَرْءِ مِغْيَارُ فَضْلِهِ وَمِيسَارُ تَنْبِيهِ»^۳

نوشتار هر کسی نشان از
فرزانگی‌اش دارد و میزان
فرهختگی‌اش را نمایاند.»

(۱۴)

برکرانه قلمت چه جلوه‌گر

است؟

امام امیر مؤمنان علی علیه السلام:

«عُقُولُ الْفَضْلَاءِ فِي أَطْرَافِ أَقْلَامِهَا»^۴
خرد ورزی‌های فرهیختگان
[جلوه‌گر است] برکرانه قلم‌هایشان.»

(۱۵)

کیفیت نوشته‌ات نشانه عقل

توست

امام امیر مؤمنان علی علیه السلام:

«ثَلَاثَةٌ تَدُلُّ عَلَى عُقُولِ أَرْبَابِهَا الرَّسُولُ
وَالْكِتَابُ وَالْهَدَايَةُ»^۵

سه چیز است نمودار خردمندی
خردمندان: پیگ است و نوشتار است و
ارمغان انسان.»

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۵۸.

۲. معجم الفاظ غرر الحکم، ص ۹۶۱.

۳. همان، ص ۹۶۰.

۴. همان، ص ۹۳۹.

۵. همان، ص ۹۶۱.

فَأَوْرَثَ كُتُبِكَ بَيْتِكَ فَأَيُّهَا عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ
هَزَجٌ لَا يَأْتِسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ؛^۳

دانش خویش به نگارش در آر و
در میان برادرانت گسترده دار. و چون
مرگت فرا رسد، نگاشته‌های خویش
برای فرزندان به ارث گذار؛ که
مردمان را روزگاری در پیش است
آشوبدار و همدمی ندارند به جز
نوشتار.»

(۱۹)

نگارش، شکارچی دانش

است

پیامبر خدا ﷺ:

«الْعِلْمُ صِنْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ...»^۴

دانش شکار است و نگارش دام [آن]

است.»

(۲۰)

تویی دلارام من

امام صادق علیه السلام:

«الْقَلْبُ يَتَكَلَّمُ عَلَى الْكِتَابَةِ»^۵

(۱۶)

فرصت از دست مده که

پشیمان می‌شوی

پیامبر خدا ﷺ:

«اَلْكُتُبُ الْعِلْمُ قَبْلَ ذَهَابِ الْعُلَمَاءِ وَائِمَا
ذَهَابِ الْعِلْمِ يَمُوتِ الْعُلَمَاءُ»^۱

دانش نگار باشید پیش از آنکه
دانشوران از دست روند؛ که با از دست
رفتن دانشوران، دانش نیز از دست
رود.»

(۱۷)

تا نوشته‌ات باقی است

پاداش تو هم جاری است

پیامبر خدا ﷺ:

«مَنْ كَتَبَ عَنِّي عِلْمًا أَوْ حَدِيثًا لَمْ يَسْزَلْ
يَكْتَبْ لَهُ الْأَجْرَ مَا بَقِيَ ذَلِكَ الْعِلْمُ
وَالْحَدِيثُ»^۲

هر که دانش یا سخنی از من

نگاشته است، پاداش او نیز همواره

نگاشته شده است تا هنگامی که آن

دانش و سخن برجا مانده است.»

(۱۸)

خوشا آنان که دائم در کتابند

امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند:

«اَلْكُتُبُ وَبَيْتٌ عِلْمِكَ فِي اِخْوَانِكَ فَاِنْ مِتَّ

۱. میزان الحکمة، ج ۸، ص ۳۲۴.

۲. همان، ص ۳۲۵.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۴. مکاتیب الرسول ﷺ، ج ۱، ص ۳۶۱.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

دل با نگارش مطمئن می شود.»

(۲۱)

با مشکل حافظه، این کار باید

کردن

امام حسن علیه السلام به فرزندان خود و فرزندان برادر خود فرمودند:

«فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ أَنْ يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْهُ وَلْيَضَعْهُ فِي تَيْبِهِ؛^۱

دانش فراگیرید. و هر که از شما در حفظ آن تاب و توان ندارد، دانش به نگارش آرد و در خانه خود نگه دارد.»

(۲۲)

دانش در بند نگارش بکش

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

«تَيْبُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ [بِالْكِتَابَةِ]؛^۲

در بند [خویش] کشید دانش را با نگارش.»

(۲۳)

بی نام تو نامه کی کنم باز

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

«كُلُّ كِتَابٍ لَا يَبْدَأُ فِيهِ بِذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ أَقْطَعُ؛^۳

هر نگاشته که یاد کردی از کردگار در آغازش نباشد، آن نگاشته بس گسسته باشد.»

(۲۴)

ترک «بسم الله...» چون ترک

نماز است

امام هادی علیه السلام به شخصی که نامش داوود بود، فرمودند:

«... يَا دَاوُودُ لَوْ قُلْتَ: إِنَّ تَارِكَ التَّسْمِيَةِ كَتَارِكَ الصَّلَاةِ لَكُنْتَ صَادِقًا؛^۴

ای داوود! اگر بگویم آن کس که «بسم الله...» را ترک کند همسان آن کس است که نماز به جا نمی آورد، سخنی راست گفته ام.»

(۲۵)

به نام آن که رحمان و رحیم

است...

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِفْتَاحُ كُلِّ كِتَابٍ؛^۵

«بسم الله...» آغاز هر نوشته ای است.»

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲. تحف العقول (مترجم)، ص ۳۵.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳۴.

۴. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۵۰.

۵. میزان الحکمة، ج ۸، ص ۳۲۶.

(۲۶)

با خط زیبا بنویس:

«بِسْمِ اللَّهِ...»

پیامبر خدا ﷺ:

«مَنْ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَجَوَدَهُ تَعْظِيمًا [لِلَّهِ] فَقَدْ غَفَرَ [لِلَّهِ] لَهُ؛^۱ هر که «بِسْمِ اللَّهِ...» با خط خوش نگارد تا بزرگی خدا را پاس دارد، خدا [نیز] وی را ببخشد.»

(۲۷)

به پُر برگی کتابت بنان؛ به پُر

باری کتابت بنان!

امام امیر مؤمنان علی ﷺ:

«أَحْمَقُ النَّاسِ مَنْ حَسَنَ كِتَابَتَهُ بِالِتَّرَاهَاتِ...»^۲ هر که نگاشته خویش با یاوه نگاری‌ها انباشته کرده است، نابخردترین مردم است.»

(۲۸)

چرا نوشته هایت را موضوع

بندی و دسته بندی نمی کنی؟

امام باقر ﷺ به نویسنده نوشته هایش

فرمودند:

«أَنْ يَصْنَعَ هَذِهِ الدَّفَائِرَ كَرَارِيَسٍ وَقَالَ ﷺ: وَجَدْنَا كُتِبَ عَلَيَّ ﷺ مَدْرَجَةً؛^۳

این دفترها باید قسمت قسمت شوند؛ [و فرمودند:] که ما خودمان نوشته های

علی ﷺ را نیز تقسیم بندی شده دیدیم.»

(۲۹)

همراه خود چرا قلم نداری؟

پیامبر خدا ﷺ به کسی که برخی از کارهایش را به وی می گفت و او می نوشت، فرمودند:

«صَعِبَ الْقَلَمُ عَلَيَّ أُذُنِكَ فَهَوَّ أَدْكُنِي لِيُثْمَلِي؛^۴

قلم بر گوش خود بگذار که این کار به

یاد آورنده تر است هر نگارنده ای را.»

(۳۰)

قلم به داد حافظه می رسد

مردی از انصار هماره در مجلس پیامبر ﷺ حضور می یافت و احادیثی را می شنید و شیفته آن‌ها می شد، ولی نمی توانست آن‌ها را حفظ کند. مشکل خود را به پیامبر ﷺ عرض کرد. حضرت به او فرمودند:

«اسْتَعِنَ بِيَمِينِكَ (وَأَوْمَأَ بِسَيْدِهِ، أُنَى حُطَّ)؛^۵

۱. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳۳.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۳۲۲.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۲۹۳.

۴. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۵۰.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۵۲.

یاری بجو از دست خویش (و حضرت به دست او اشاره فرمود که با آن بنویس).

(۳۱)

نه غلط بگویم، نه غلط

بنویسیم

امام صادق علیه السلام:«أَعْرَبُوا حَدِيثَنَا فَإِنَّا قَوْمٌ فَصَحَاءُ»^۱

سخن ما [شیوا گوید و] شیوا نگارید؛ که ما از [تبار] شیوا سخنانیم.

(۳۲)

هان! چرا فیش برداری

نمی‌کنی؟

امام صادق علیه السلام به ابوبصیر

فرمودند:

«دَخَلَ عَلَيَّ أَنَاسٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ فَسَأَلُونِي عَنْ أَحَادِيثٍ وَكُتُبِهَا فَمَا يَمْنَعُكُمْ مِنْ الْكِتَابِ؟ أَمَا إِنَّكُمْ لَنْ تَحْفَظُوا حَتَّى تَكْتُبُوا»^۲

مردمانی از بصره نزد من آمدند و سخنانی از من پرسیدند و آن‌ها را همه نوشتند. پس آن‌چه چیز است که شما را از نوشتن باز داشته است؟ هان! که تا به نوشتن رو نیاورید، به حفظ هم دست نمی‌یابید.

(۳۳)

برای حروفچین و ویراستار،

خوش خط بنگار و فاصله هم بگذار

امام امیر مؤمنان علیه السلام:

«أَلْفِي دَوَاتِكَ وَأَطَّلُ جِلْفَةَ قَلَمِكَ وَقَرَّخَ تَيْنَ السُّطُورِ وَقَرَمِطَ تَيْنَ الْحُرُوفِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَجْدَرُ بِصَبَاحَةِ الْخَطِّ»^۳

در دوات خویش ليقه^۴ گذار و نوک قلم خویش دراز بدار و میان سطرها فاصله گذار و حروف نزدیک به یکدیگر نگار که این چنین کار، زیبایی خط را بآورد سزاوار.

(۳۴)

چرا نوشته‌هایت را بازنگری

و بازنگاری نمی‌کنی؟

امام امیر مؤمنان علیه السلام:

«إِذَا كَتَبْتَ كِتَابًا فَأَعِدْ فِيهِ النَّظَرَ قَبْلَ خَتْمِهِ فَإِنَّمَا تَحْتِمُ عَلَيَّ عَقْلِكَ»^۵

هرگاه چیزی نوشتی، باید که پیش

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۳.

۳. نهج البلاغه، سخن کوتاه ۳۰۷.

۴. «ليقه» چیزهایی همچون ابریشم و نخ و موی است که در دوات گذارند و مرکب بر آن ریزند تا مرکب لایق و شایسته نوشتن گردد.

۵. معجم الفاظ غرر الحكم، ص ۹۶۰.

از مهر نمودنش دگر بار در آن بنگری،
چرا که بر خرد ورزی خویش مهر
پایان می زنی.»

(۳۵)

دلَم جز با کتاب آرام ندارد

امام امیر مؤمنان علی علیه السلام:

«مَنْ تَسَلَّى بِالْكِتَابِ لَمْ تَفْتَهُ سَلْوَةٌ؛^۱

آرامشی از دست نداده است آن که
با کتابها آرامش به دست آورده
است.»

(۳۶)

هر کتابی ترجمانی است

امام امیر مؤمنان علی علیه السلام:

«الْكِتَابُ تَرْجُمَانُ النَّبِيِّ؛^۲

کتاب یک برگردان است از آنچه
درون [کتاب نگار] است.»

(۳۷)

کُل سرای دانشوران چیست؟

امام امیر مؤمنان علی علیه السلام:

«الْكِتَابُ بَسَاتِينُ الْعُلَمَاءِ؛^۳

کتابها باغستانهای دانشورانند.»

(۳۸)

این سخنگو کیست که در

برابرت نیست؟

امام امیر مؤمنان علی علیه السلام:

«نِعْمَ الْمَحَدَّثُ الْكِتَابُ؛^۴

چه خوش سخن گوید این کتاب.»

(۳۹)

آینده را هم به تماشا بایست

امام صادق علیه السلام:

«اِحْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَانْكُمْ سَوْفَ

تَحْتَا جُونَ إِلَيْهَا؛^۵

کتابهای خویش نگاهبان باشید،
زودا که نیاز مندشان شوید.»

(۴۰)

تا این زمان، یک «چهل حدیث»

نوشته‌ای؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:

«مَنْ كَتَبَ عَنِّي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا رَجَاءً أَنْ

يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ غَفْرَةً وَأَعْطَاهُ ثَوَابَ الشَّهْدَاءِ؛^۶

هر کس چهل حدیث از من
بنگارد به آن امید که خدایش آمرزد،

خدا نیز او را آمرزد و پاداش شهیدانش
دهد.»

۱. همان، ص ۹۶۱.

۲. همان، ص ۹۶۰.

۳. همان، ص ۹۶۱.

۴. همان، ص ۹۶۱.

۵. الکافی، ج ۱، ص ۵۲.

۶. مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۳۶۱.